

کاتب چلبی و جهان نما

نسرین تونی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۸/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۲

چکیده

کتاب جهان‌نمای کاتب چلبی، یکی از اسنادی است که به نام خلیج فارس و محدوده جغرافیای آن اشاره کرده است و در زمان جنگ ایران و عراق برای اثبات تعلق خلیج فارس به ایران، به سازمان ملل متحد عرضه شده بود. این مقاله، به معرفی دانشمند و جغرافیدان ترک معروف به «کاتب چلبی» و اثر معروفش «جهان‌نما» با موضوع جغرافیا، می‌پردازد.

کلید واژه‌ها:

جغرافی‌دانان / حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ ق. / کتاب جهان‌نما / جغرافیا / ایران / خلیج فارس /

مقدمه

مصطفی بن عبدالله (۱۰۱۷-۱۰۶۷ق.) (مدرس، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۲) - به کاتب چلبی و یا حاجی خلیفه شهرت دارد.

مصطفای جوان - که نظامی و نظامی‌زاده بود - تحصیلات و تجربیات ابتدائی خود را نزد پدرش فراگرفت. وی، اطلاعات و تجربیاتش را در زمینه امور نظامی، سیاحت و جغرافیا، در این دوره به دست آورد. چلبی پس از مرگ پدرش، در خدمت سلطان مراد چهارم، به امر کاتبی پرداخت و به عنوان «خلیفه» دست یافت. کتاب «جهان‌نما»ی کاتب چلبی، اثری است که اطلاعات جغرافیائی آن زمان را در خود جای داده است. اطلاعات درج شده در این اثر، نه تنها از سیاحان و جغرافیدانان مسلمان، بلکه از نویسندگان اروپائی مانند گ.مرکاتور و ل.هوندیوس و از آثار اورتلیوس و کلوریوس نیز به دست آمده است.

کاتب چلبی، از نویسندگان عثمانی است که از آگاهی خوبی درباره اروپا برخوردار بود. وی، از چندین جهت متمایز از علمای معاصر خود بود، که استفاده از منابع غربی در تحقیقاتش، یکی از آنهاست. کاتب چلبی، به زبان لاتین آشنائی داشت و همین موضوع، وی را برجسته‌تر می‌ساخت.



کاتب چلبی

کاتب چلبی

مصطفی بن عبدالله معروف به کاتب چلبی و حاجی خلیفه^۱ از کتابشناسان و دانشمندان بزرگ قرن یازدهم هجری قمری است. سبب شهرت وی به کاتب، اشتغال به نوشتن دفاتر دولتی، و علت پیدا کردن عنوان چلبی، درجه فضل و معلوماتش بود. زیرا در قرن نهم هجری قمری، این عنوان به معنای سرور، به عالمان و فاضلان اطلاق می‌شد. (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ح)

او، در سال ۱۰۱۷ ق. (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ۱۳) در استانبول به دنیا آمد. پدرش عبدالله، در دربار از سپاهیان بود؛ در مجلس مشایخ و علما شرکت می‌کرد و مردی دیندار بود. مصطفی، پنج یا شش ساله بود که در نزد امام عیسی خلیفه قریمی قرائت قرآن، تجوید و آداب نماز آموخت. سپس در نزد زکریا علی ابراهیم افندی و نفس‌زاده، به تعلم پرداخت و قرآن را تا نیمه حفظ کرد. بعدها از خواجه الیاس، صرف و نحو عربی آموخت و از خطاطی به نام احمد چلبی، خط فراگرفت.

در چهارده سالگی (مدرس، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰) در نزد پدر خود در دفتر محاسبه اناطولی به کار مشغول شد؛ بدین ترتیب علم سیاق نیز فراگرفت. در سال ۱۰۳۳ق. هنگامی که سپاه عثمانی برای فرونشاندن عصیان ابازه پاشا از استانبول حرکت می‌کرد، مصطفی همراه با پدرش در معیت سپاهیان بود. در سال ۱۰۳۵ق. در جنگ بغداد شرکت جست. در اثنای نه ماه محاصره، آداب حرب را تجربه کرد. سپس از آن‌جا به موصل رفت و بعد از فوت پدر، به دیار بکر سفر نمود.

مصطفی، در دیاربکر به جرگه سواره‌نظام پیوست و در سال ۱۰۳۸ق. به استانبول آمد و در حلقه درس قاضی‌زاده شرکت کرد. تا سال ۱۰۳۹ق. همراه خسروپاشا در جنگ بغداد و همدان شرکت کرد (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ۱۴). خاطرات این جنگ را، در جهان‌نما و فذلکه نقل کرده است. وی، در خاتمه پاره‌ای از آثارش مانند سلم‌الوصول و میزان‌الحق، از زندگانی خود نیز سخن گفته و در دیگر کتاب‌هایش مانند فذلکه، جهان‌نما و کشف‌الظنون، به

مناسبت، خاطراتی از حیات خود را آورده است.

او، در سال ۱۰۴۳ق. همراه با محمدپاشا صدراعظم، جزو سپاهیان به حلب رفت و در همین سفر حلب بود که حج به جای آورد. چون خلیفه یا قلفه به معنی کاتب بود، (اولغون، ۱۳۵۰، ص ۱۷۱) حاجی خلیفه خوانده شد. در سال ۱۰۴۴ق. همراه با سلطان مراد چهارم در «جنگ روان» شرکت کرد و سرانجام به استانبول بازگشت و عمر خود را وقف علم کرد. (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ۱۵)

در سال ۱۰۴۳ق. به سبب مرگ یکی از خویشاوندان ثروتمندش، ارثیه‌ای به وی رسید. او سه چهارم آن ارثیه را صرف خرید کتاب کرد و از یک چهارم باقیمانده، در میانه راه مسجد فاتح و مسجد سلطان سلیم، منزلی برای خود ساخت. او، در همان سال ازدواج کرد و همچنین در نزد اعرج مصطفی افندی، عروض، نجوم و علوم دیگر آموخت.

در سال ۱۰۴۹ق. از محضر عبدالله، مدرس علوم دینی ایاصوفیه و کچی محمد افندی، مدرس علوم دینی سلیمانیه بهره‌مند شد. در سال ۱۰۵۲ق. از استادانی دیگر مانند واعظ ولی افندی و بعدها ملا ولی‌الدین افندی مفتی ارمناک، فقه و منطق آموخت.

در سال ۱۰۵۵ق. به سبب بروز جنگ کرت، همه نقشه‌های جغرافیائی و نحوه تهیه نقشه را مطالعه کرد (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ۱۶). پس از بیست سال خدمت به دلیل امتناع دولت از دادن ترفیع، از مقام خود کناره گرفت و قریب سه سال گوشه‌نشینی اختیار کرد. سرانجام بیمار شد و برای معالجه خود، کتب طب و دعا و علم‌الروح را مطالعه کرد.

کاتب چلبی، بسیاری از آثار خود را در اواخر حیات خویش تألیف کرده است. او، به یاری شیخ محمد اخلاصی بعضی کتاب‌ها را از لاتین به ترکی برگرداند. وی همچنین، در ادبیات السنه ثلاثه (ترکی، فارسی، عربی) مهارت تام داشت.

در اواخر سال ۱۰۶۷ق. روز شنبه ۲۷ ذیحجه، در حالی

که مشغول صرف صبحانه بود، حالش به هم خورد و ناگهان درگذشت. مزارش بر سر راه مسجد زیرک در کنار چشمه چسبیده به مکتب قرار دارد. (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۲۵)

آثار کاتب چلبی

۱. فذلکه اقوال الاخیار فی علم‌التاریخ و الاخبار یا فذلکه‌التواریخ، در تاریخ عمومی تا ۱۰۴۹ق. به زبان عربی؛

۲. فذلکه ترکی، سلسله وقایع تاریخ عثمانی از سال ۱۰۰۰ تا ۱۰۶۵، به ترکی؛

۳. تحفه‌الکبار فی اسفارالبحار، تاریخچه نبردهای دریائی عثمانیان تا ۱۰۶۷ق.، به ترکی؛

۴. تقویم‌التواریخ؛ در این کتاب، روزشمار حوادث مهم از زمان خلقت تا دوران پیامبر و از آن تاریخ تا سال ۱۰۵۸ق.، از جمله خاندان‌های بزرگ جهان و از سلاطین نامدار عثمانی تا سلطان محمد چهارم، وزیران و دیگر مقامات این دوره، به تحریر درآمده است؛

۵. رونق‌السلطنه، گزیده‌هایی از تاریخ قسطنطنیه؛

۶. تاریخ فرنگی؛

۷. ارشادالخیاری الی تاریخ‌الیونان و الروم و النصرار، تألیف مختصری براساس اطلس مینور؛

۸. سلم‌الوصول الی طبقات‌الفحول، گزیده‌ای از زندگینامه‌ها به عربی، به ترتیب الفبائی؛

۹. لوامع‌النور فی ظلمه، ترجمه ترکی؛

۱۰. الهام‌المقدس فی فیض‌الاقدس، به ترکی، در شرایط نماز در قطبین؛

۱۱. کشف‌الظنون عن اسامی‌الکتب و الفنون، به عربی، با مقدمه‌ای در اهمیت طبقه‌بندی علوم، مشتمل بر ۱۴۵۰ کتاب با اسامی و وفیات مؤلفان آنها، به ترتیب الفبائی؛

۱۲. تحفه‌الاکخیار فی الحکم و الامثال و الاشعار، گزیده‌ای از مطالب ادبی و فلسفی که بیش‌ترین بخش آن عربی



- و مقداری نیز به فارسی و ترکی است؛
۱۳. دُرُرُ منتشره و غُرُرُ منتشره، مجموعه‌ای برگزیده از تراجم احوال؛
۱۴. دستورالعمل فی اصلاح الخلل، رساله‌ای در علل مشکلات مالی دولت و راه‌های رفع آن؛
۱۵. رجم‌الرجیم بالسین و الجیم، مجموعه‌ای از مسائل غریبه فقهی و فتاوای نادر؛
۱۶. شرح بر تفسیر بیضاوی؛
۱۷. حسن‌الهدایه، شرحی بر محمدیه علی قوشچی؛
۱۸. جامع‌المتون من جلاء‌الفنون، مجموعه علمی از متون متداول روز؛
۱۹. مختصر جامع‌المتون؛
۲۰. میزان‌الحق فی اختیارالحق، به ترکی، از آثار کوتاه کاتب چلبی که به موضوعاتی مانند حقوق اسلام، اخلاق و الاهیات پرداخته است. در مقالات این کتاب، کاتب چلبی دارای دیدگاهی نسبتاً لیبرال‌منشانه و مسامحه‌کارانه می‌باشد و حاکمان اسلامی تنگ‌نظر را مورد انتقاد قرار داده است. این اثر، به مثابه مرجعی در مورد تحولات اجتماعی در سده‌های شانزدهم و هفدهم مانند ورود قهوه و توتون به عثمانی می‌باشد؛
۲۱. جهان‌نما به زبان ترکی و با موضوع جغرافیا می‌باشد که مؤلف، این اثر را به نام سلطان محمد چهارم عثمانی، در تاریخ ۱۰۵۸ق. تألیف کرده است. (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ز)

جهان‌نمای اول

جهان‌نما، کتاب جغرافیائی به زبان ترکی است^۲ که به سبب تقدم و اعتبارش در موضوعات جغرافیائی و وصف ممالک، بویژه سرزمین‌های عثمانی، از زمان تألیف شهرت یافت.

در ترکیه، از این اثر به عنوان مأخذ معتبر تألیفات جغرافیائی یاد می‌شود؛ آن چنان که قرن یازدهم را قرن کاتب چلبی نامیده‌اند. بارتولد، نویسنده و خاورشناس روس،^۳ جهان‌نما را نخستین تلاش علمی برای مقایسه

اطلاعات متون جغرافیائی اروپائی با متون جغرافیائی اسلامی دانسته و گفته است که تا آن زمان در اروپا چنین کاری صورت نگرفته بود. (بارتولد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱)

حاجی خلیفه، انگیزه تألیف کتاب جهان‌نما را، جنگ کورت یا آق‌ریش^۴ (۱۰۵۵) ذکر کرده است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۴). وی، تألیف کتابش را در ۱۰۵۸ق. آغاز کرد و نامش را جهان‌نما گذاشت و به سلطان محمد چهارم عثمانی تقدیم کرد. اما پس از مدتی دست از تألیف آن کشید. این اثر نیمه‌تمام، به نام متن اول جهان‌نما یا جهان‌نمای اول معروف می‌باشد. (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۴)

جهان‌نمای نسخه اول، کتابی است به زبان ترکی در هیئت و جغرافیا، چنان که مؤلف در کشف‌الظنون آورده است: «این کتاب را دو قسمت است؛ یکی دریاها و صور آن‌ها، و جزایر، و دیگری خشکی، اعم از شهرها و نهرها و کوه‌ها و مسالک و ممالک آن.»

می‌توان گفت که جهان‌نمای اول در توصیف ممالک از غرب ربع مسکون، اندلس، و مغرب آغاز و به اقلیم روم، ممالک عثمانی، شبه‌جزیره بالکان و دشت‌های مجارستان ختم شده است. برای هر سرزمین درباره نام، موقعیت و اوضاع جغرافیائی، مراکز اداری و شهرهای عمده، راه‌ها و منازل، تأسیسات و بناها و تاریخ شهرها، اطلاعاتی آورده است.

حاجی خلیفه، در صفحه پایانی جهان‌نمای اول، نوشته است که ممالک روم ایلی، بوسنی و مجارستان، از فتوحات جدید عثمانی‌ها بودند و مطالب راجع به آن‌ها، با استفاده از کتاب‌های قدیم و جدید نوشته شده است. اما درباره آناتولی، ولایات و ندیک (ونیز)، پاپا (پاپ) و فرانسه - که زمانی جزو روم ایلی بودند - مطلب به اختصار نوشته شده است. آن‌گاه جزایر مجاور اقیانوس اطلس - که اقلیم چهارم را تشکیل می‌دهند - معرفی شده و آخرین شهری که در جهان‌نمای اول به آن پرداخته شده، هاتوان (خطوان) در مجارستان است.

جهان‌نمای دوم

حاجی خلیفه، در ۱۰۶۵ق. تألیف جهان‌نمای دوم را با ساختار و مندرجاتی متفاوت از جهان‌نمای اول آغاز کرد. جهان‌نمای دوم در هیئت، به زبان ترکی است و مؤلف، در این کتاب آثار جغرافیدان‌ها و نقشه‌کش‌های نخستین اروپا را از قبیل بطلمیوس^۵، آبراهام اُرتلیوس^۶، ژرار مرکاتور^۷ و هنریکوس هوندیوس^۸ و دیگر جغرافیدانان، اساس کار خود قرار داده است. اما با مرگ وی در ۱۰۶۷ق.، این اثر نیز ناتمام ماند.

وی، در مقدمه کتابش به ذکر تعدادی از منابعی که مورد استفاده قرار داده، اشاره کرده است، از جمله: آثار البلاد و عجایب المخلوقات قزوینی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم مقدسی، الاشارات الی معرفه الزیارات علی

بن ابوبکر هروی، اوضح المسالک الی معرفه البلدان، تقویم البلدان، الروض المعطار فی اخبار الاقطار، کشف الممالک، معجم البلدان، مجسطی، اطلس مینور و دیگر کتاب‌های جغرافیا. بخشی از اطلاعات مؤلف نیز، نتیجه سفرهایش به شهرها و مناطق گوناگون و مشاهدات اوست. (جهان نما کاتب چلبی، شماره ۴۳۱، صص ۸ - ۴۱)

جهان‌نمای اول و دوم، به همت ابراهیم الجغرافی [ابراهیم متفرقه]^۹ و به دستور سلطان عثمانی وقت، با توضیحات و تعلیقاتی از خود او، با عنوان‌های **تذییل الطابع و تذییل**^{۱۰} به شکل منسجم و به ترتیب حروف الفبا، در سال ۱۱۴۵ق. در دارالطباعة العامرة قسطنطنیه منتشر شد.



صفحه نخستین و پایانی جهان‌نما (چاپ قسطنطنیه، ۱۱۴۵ق.) محل نگهداری: کتابخانه مرکزی تبریز.

جهان‌نمای کاتب چلبی

این کتاب^{۱۱} دارای دو قسم است: قسم اول که شامل ۱۴ امر است و دربارهٔ جغرافیا و کلیات است و شامل روش‌های استفاده از هندسه و ترسیم نقشه، معنا و موضوع جغرافیا، واژه‌شناسی جغرافیا، کرهٔ زمین (عوارض زمین)، رسوم و نقوش آن می‌باشد.

دیگر مباحث قسم اول، عبارت است از: مطالبی دربارهٔ منظومهٔ شمسی، مذاهب سه‌گانه دربارهٔ علم هیئت، جغرافیای ریاضی و توصیف اتمسفر، اقلیم هفتگانه و شرح کتاب‌های بطلمیوس. (صص ۱-۷۰)

قسم دوم، شامل ۴۶ فصل دربارهٔ بلاد و ممالک است که از مشرق آسیا آغاز و به سواحل غربی امریکا منتهی می‌شود و در وصف هر یک از اقلیم‌ها به وجه تسمیه، حدود، مسافت، تقسیمات، دریاها، رودها، درختان، کوه‌ها، محصولات کشاورزی، معادن و حیوانات، پرداخته است که بیانگر تقسیم‌بندی موضوعی کتاب می‌باشد.

در فصل یکم و دوم، زمین و ماه و احوال بحار (شامل حرکات آب‌ها و دریاها، جزر و مد و علل آن و آب‌های زیرزمینی) وصف شده است (صص ۷۰-۹۶). سپس تقسیمات زمین به اروپا، آفریقا، آسیا و امریکا اختصاص یافته است (صص ۹۶-۱۱۵). در فصل هشتم و نهم، دربارهٔ قطبین شمال و جنوب مطالبی آمده (صص ۱۱۵-۱۱۹) و در فصل چهاردهم، به چین و هند (صص ۱۳۰-۱۳۲) و پس از آن، چند فصل به جزایر اختصاص دارد، مانند جزیرهٔ سوماترا در فصل هفدهم و جزیرهٔ سیلان در فصل نوزدهم.

در فصول مربوط به ایران - که حدود یک چهارم مطالب کتاب را دربرمی‌گیرد - در وصف هر یک از ممالک ایران به ذکر شاهان، ملوک، ابنیه و شهرهای مهم، معادن و غیره پرداخته است:

فصل بیست و چهارم مملکت مکران^{۱۲}؛ وصف این اقلیم و گیاهان مخصوص به آن (صص ۲۳۵-۲۳۷)، فصل بیست و پنجم اقلیم زابلستان و کابل؛ وصف شهر کابل، غزنه، خوست، محل تولد حکیم سنائی و وصف

درختان و باغ‌های آن منطقه (صص ۲۳۷-۲۴۱)؛ فصل بیست و هفتم مملکت سجستان و سیستان؛ اوصاف و احوال سیستان (صص ۲۴۸-۲۵۴)؛ فصل بیست و هشتم مملکت بدخشان و غور و طخارستان؛ در بیان ملوک و شاهان این اقلیم (صص ۲۵۴-۲۵۶)؛ فصل بیست و نهم اقلیم کرمان، هرمز و لار؛ ذکر احوال دولت سلجوقیه، دولت آل براق و سلاطین هرمز و لار (صص ۲۵۶-۲۶۲)؛ فصل سی‌ام اقلیم فارس؛ در وصف بلادی چون اصطخر، اردشیر خوره، دارابجرد [دارابگرد]، شاپور خوره، قباد خوره، آتشکده‌های فارس و حکومت سلاطین و پادشاهان ایران دورهٔ پیش از اسلام و بعد از اسلام، دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل شبانکاره، اتابکان یزد و سلغریه، انجویان، آل بویه، آل مظفر (صص ۲۶۲-۲۸۲)؛ فصل سی و یکم مملکت خوزستان و لرستان؛ دولت‌های لر بزرگ، لر کوچک و مشعشع (صص ۲۸۲-۲۸۹)؛ فصل سی و دوم اقلیم جبل یعنی عراق عجم؛ وصف شهرهای اصفهان و فضلالی آن شهر، ولایت قصران، طهران و ورامین، ام‌بلاد ایران شهرری، سلطانیه و قزوین، همدان، ذکر کوه‌ها و رودها، احوال ملوک و حکام عراق عجم، دولت‌های دیلمیان، کاکویه و ملاحده (صص ۲۸۹-۳۰۹)؛ فصل سی و سوم اقلیم خراسان و قهستان؛ در وصف شهرهای بلخ، هرات، ناحیهٔ کرخ، سبزوار و بیهق، نیشابور، طوس، مشهد امام علی بن موسی‌الرضا (ع)، احوال ملوک خراسان، ظهور ذوزوابه، استیلای سلجوقیان بر خراسان، استیلای ملوک کرت، استیلای تیمور بر خراسان (صص ۳۰۹-۳۳۸)؛ فصل سی و چهارم مملکت قومس، طبرستان و مازندران؛ احوال ملوک و حکام دولت‌های باوندیه، جلاویه، زیاریه، علویه و قوامیه، دابویه، بادوسیان، آل کیومرث (صص ۳۳۸-۳۴۳)؛ فصل سی و پنجم سلاطین گیلان، خوارزم، دیلم، اوصاف این اقلیم و احوال ملوک آل بویه و دولت کارکیا، امیره و دولت خوارزمشاهان (صص ۳۴۳-۳۴۸)؛ فصل سی و ششم در اقلیم ماوراءالنهر؛ وصف شهرهای سمرقند، بخارا، فرغانه و وصف نهر جیحون و سیحون، ظهور چنگیزخان و تیمور (صص ۳۴۸-۳۶۶)؛ فصل سی و



خلیج فارس در نقشه عربستان اثر هنریکوس هوندیوس



خلیج فارس در جهان بطلمیوس

۳۶۶-۳۷۹؛ فصل سی و هشتم در اقلیم آذربایجان؛ وصف شهرهای تبریز، اردبیل، مراغه و ارومیه و دولت چنگیزیه و استیلای قره قوینلو و آق قوینلو و دولت صفویه (صص ۳۷۹-۳۹۱)؛ فصل سی و نهم اقلیم اران، موقان و شروان؛ در وصف شهرهای شروان، تفلیس و کوه البرز، سواحل

هفتم در اقلیم ترکستان و دشت و مملکت کاشغر، اوصاف ختن و بلاد ترکستان و اوصاف خزر، اوصاف ترک بن یافت، احوال قوم تاتار و مغول، ظهور چنگیز و مرگ او و تقسیمات سرزمین‌های متصرفی در بین فرزندان، مدت حکومت ایشان بر این اقلیم و حکومت ایلیخانان (صص

بحر خزر، نهر ارس و ملوک شروان (صص ۳۹۱-۴۰۱)؛ فصل چهلم مملکت طاغستان و گرجستان (صص ۴۰۱-۴۱۰)؛ فصل چهل و یکم در اقلیم ارمنیه؛ در وصف ایالت وان، بدلیس، صحرای چالدران، اوصاف عشیره دنبلی، اوصاف ارض روم، طرابوزان (صص ۴۱۰-۴۳۲)؛ فصل چهل و دوم اقلیم الجزیره بین الفرات و دجله؛ وصف شهرهای دیاربکر، موصل، آمد و ماردین، ایالت رقه، اربیل، شهر زول، کرکوک، اوصاف ولایت کردستان و احوال طوایف اکراد، کرمانشاهان، کوند و خوشان، احوال ملوک و حکام (صص ۴۳۲-۴۵۱)؛ فصل چهل و سوم در بیان اقلیم عراق عرب؛ وصف شهرهای عبادان [آبادان]، بغداد و تاریخ بنای آن، بصره، کربلا، ظهور و ذکر خلفای عباسی. (صص ۴۵۱-۴۸۳)^{۱۳}

آخرین فصل کتاب یعنی فصل چهل و ششم به اقلیم آناتولی اختصاص دارد و به حدود و مسافت و اوصاف شهرهای این اقلیم، قصبات، کوهها، رودها، ظهور دولت عثمانی و شاهان این دوره پرداخته است. (صص ۶۳۰-۶۹۷) یکی از نکات حائز اهمیت در کتاب جهان‌نما، در فصل دوم ذکر احوال بحار، به «فرس کورفزی» یعنی خلیج فارس اشاره دارد و گفته است: «بحر فارس، به این دریا سینوس پرسیقوس می‌گویند به معنی خلیج فارس به مناسبت این‌که در شرق آن بلاد فارس واقع است، بدان نسبت داده می‌شود و آن‌را ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز می‌گویند.» (ص ۷۸)

واژه «سینوس پرسیقوس» یا «پرسیکوس سینوس»، در اصل واژه‌ای یونانی است که کلودیس پتوله یا بطلمیوس جغرافیدان، نقشه‌نگار، ریاضیدان و نویسنده قرن دوم میلادی، در کتاب نقشه‌های جهان خود - که شامل ۲۷ نقشه از جهان و کشورهای مختلف است - نام دریای پارس را به نام پرسیکوس سینوس آورده است. در واقع، این واژه بطلمیوس، مبنای لغوی در بسیاری از زبان‌های زنده برای خلیج فارس گردید، از جمله معادل آن در زبان ترکی عبارت «فرس کورفزی» است و مؤلف جهان‌نما نیز در مورد خلیج فارس به این منبع استناد

کرده است.

اما یکی از معروف‌ترین نقشه‌های ترکی از ایران - که آن را ابراهیم متفرقه در سال ۱۱۴۲ ق.^{۱۴} در قسطنطنیه ترسیم کرده - در آن نام «بصره کورفزی» (خلیج بصره) برای بخش شمال باختری خلیج پارس و نام «بحر فارس» در مرکز این آبراه نوشته شده است. در این نسخه، می‌توان به نقشه‌های مربوط به اقلیم آفریقا (ص ۱۰۱)، اقلیم آسیا (ص ۱۰۳) و اقلیم جزیره‌العرب (ص ۴۸۳) اشاره کرد که با گفته نویسنده اثر، تناقض دارد و ظاهراً کاربرد این عبارت، مربوط به جنگ‌های عثمانی و صفوی است تا خصومت سیاسی و دینی خود را با صفویان شیعی مذهب نشان دهند.

در این نسخه، همچنین زیر هریک از نقشه‌ها، نام رسم‌کننده نیز ذکر گردیده است. در این نسخه، افرادی که نقشه‌ها را ترسیم کرده‌اند شامل: احمد القریمی، مغردج غلطوی، ابراهیم طوغانوی.

همچنین نقشه‌ای دیگر از کتاب جهان‌نما به شماره ثبت ۳۸۶ موجود در کتابخانه ملی در ذیل و صدر نقشه مربوط به اجرام و عناصر، به رأی بطلمیوس این عبارات آمده است: «رسم و طبع این تصویر مرغوب، در دارالطباعة العامرة شهر پاک قسطنطنیه سال ۱۱۴۳» و «به دست حقیر، ابراهیم الجغرافی، از متفرقکان درگاه عالی.»

یکی از نکات بارز دیگر جهان‌نما، تصاویر و نقشه‌های آن است. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تصویر منظومه شمسی و سیارات، نصف‌النهار قسطنطنیه و دمشق و نسبت آن‌ها با خط استوا، تصویر جهات اصلی و فرعی بر مبنای قبله، نقشه جهان در دو صفحه دایره‌ای شکل، نقشه‌های اروپا با مدارها و نصف‌النهارها، نقشه آفریقا که در آن مدارها با خطوط مستقیم و نصف‌النهارها به صورت منحنی آمده، و نقشه آسیا که در آن مدارها و نصف‌النهارها با خطوط منحنی کشیده شده است.

در این نسخه، درباره هریک از قسمت‌هایی که مؤلف از آن‌ها مطالبی آورده، نقشه‌ای رسم شده است.



نقشه خلیج فارس، اثر آبراهام ارتلیوس

۲. نسخه‌ای خطی از جهان‌نما، به فرمان آقا محمدخان قاجار، با قلم محمد چارمچالی به فارسی ترجمه شده است. این نسخه، در مجموعه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۲۷۰۹ در جلد ۱۱، صفحه ۱۷ فهرست دانشگاه تهران، معرفی شده است.

۳. واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد [Vasili Vladimirovich Barthold] (۱۸۶۹-۱۹۳۰م)، نویسنده و خاورشناس روسی.

۴. جزیره‌ای است در مدیترانه شرقی، متعلق به کشور یونان.

۵. کلاودیوس بطلمیوس، جغرافیدان قرن دوم میلادی و مؤلف کتاب علم جغرافیاست. خلیج فارس، در نقشه جهان بطلمیوس

برخی نقشه‌های جهان‌نما، دارای سه مقیاس است: میل اسلامی، میل فرانسوی و میل ایتالیایی.

جهان‌نمای کاتب چلبی، منبع معتبری جهت تحقیق بویژه در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و جغرافیائی ممالک مختلف از منظر جغرافیدان مسلمان عثمانی می‌باشد.



پی‌نوشت‌ها

۱. مصطفی بن عبدالله در بین علما به کاتب چلبی، بین اهل دیوان به خلیفه و حاجی خلیفه و گاهی در کلمات بعضی از اجله، به فاضل قسطنطنینی موصوف است. (مدرس، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰)



به نقل از دائرةالمعارف آلمانی لایپزیک ۱۸۹۵م. پیوست می‌باشد.

۶. ارتلیوس، فردی هلندی تبار در قرن شانزدهم، با رنگ‌آمیزی نقشه‌های سیاه و سفید، اولین بار بود که نقشه‌های رنگی را ارائه کرد و نقشه ایران، در نخستین اطلس نوین در میان سال‌های ۱۵۷۰ تا ۱۶۲۴م. چاپ شده است. در متن کتاب جهان‌نما، از او با نام اوراهام اورتولیوس یاد می‌شده است.

۷. ژرار مرکاتور فنلاندی، در سال ۱۵۶۹ اطلسی عرضه کرد که هر نقطه از نقشه را براساس طول و عرض جغرافیائی آن، به صورت عمود برهم ترسیم کرده بود. در متن کتاب جهان‌نما، از او با نام جراردوس مرقاتور یاد کرده است.

۸. هنریکوس هوندیوس (۱۵۹۷-۱۶۵۱م.)، فرزند یوگودوس هوندیوس جغرافیدان، در کتاب جهان‌نما با نام لودوویکوس هوندیوس یاد شده است. خلیج فارس در نقشه عربستان، به دست وی در سال ۱۶۳۰ در آمستردام چاپ شده است.

۹. ابراهیم متفرقه (۱۰۸۵-۱۱۵۸ / ۱۶۷۴-۱۷۴۵)، ادیب و محقق و سیاستمدار دوره عثمانی بود. او، نخستین مسلمانی بود که چاپخانه‌ای با حروف سریبی عربی در استانبول دایر کرد. وی، در ترانسیلوانی در خانواده‌ای مجار به دنیا آمد و پس از اسارت به دست ترکان عثمانی به اسلام گروید. او، چندین کتاب از جمله جهان‌نمای کاتب چلبی را چاپ کرد.

۱۰. نوشتن در ذیل صحیفه، علاوه بر آنچه در آن هست. آنچه پس از تمام کردن کتابی، در تکمیل یا توضیح آن نویسند. اصطلاح معانی و آن، تعقیب جمله‌ای است به جمله دیگر که مشتمل باشد بر معنی جمله اولی برای تأکید منطوق یا مفهوم. (لغتنامه دهخدا)

۱۱. نسخه‌ای خطی از جهان‌نمای کاتب چلبی به زبان ترکی، در ۲۶۷ صفحه و ۲۸ نقشه، در مجموعه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۴۰۴۸، ج ۱، ص ۴۳۷ موجود می‌باشد.

۱۲. سرزمینی ساحلی در جنوب خاوری ایران و جنوب باختری پاکستان.

۱۳. حدود جغرافیائی ایران مذکور در این کتاب مزبور، مربوط به دوره حکومت شاه اسماعیل صفوی است.

۱۴. جهان‌نما لکاتب چلبی چاپ سریبی موجود در کتابخانه ملی، در ۶۹۸ صفحه همراه با ۴۰ نقشه به شماره ۳۸۶، ص ۲۵.



کتابنامه

۱. اولغون، ابراهیم، جمشید درخشان (۱۳۵۰). فرهنگ ترکی - فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ.

۲. بارتولد، ولادیمیر (۱۳۸۳). فرهنگ و تمدن اسلامی. (عباس به‌نژاد، مترجم). تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.

۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۲۱۴ق.). جهان‌نمای کاتب چلبی، (محمد چارمحالی، مترجم). این کتاب به شماره ۲۷۰۹ در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۴. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۲۴۵ق.). جهان‌نما لکاتب چلبی، قسطنطنیه: ابراهیم الجغرافی؛ این نسخه چاپ سریبی به شماره ۴۳۱-۷ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران وجود دارد.

۵. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۶۰ق.). کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون (ج ۱). بیروت: دارالاحیا و التراث العربی.

۶. کراچکوفسکی، ایگالاتی (۱۳۷۹). تاریخ نوشته‌های جغرافیائی در جهان اسلامی. (ابوالقاسم پاینده، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

۷. مدرس، محمدعلی (۱۳۷۴). ریحانه‌الادب، (ج ۵). تهران: خیام.

۸. مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰). دایره‌المعارف فارسی (ج ۱). تهران: امیرکبیر.

۹. مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب، اطلس نقشه‌های جغرافیائی و اسناد تاریخی خلیج فارس، تهران، پدیدآورنده.